

پیشینه و بنیادهای نظری رویکرد نقد اسطوره‌ای و زمینه و شیوه کاربرد آن در خوانش متون ادبی

فرزاد قائمی*

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

«نقد اسطوره‌ای» رویکردی میان‌رشته‌ای و از رویکردهای اصلی نقد ادبی معاصر است. نقد اسطوره‌ای از دیدگاه انسان‌شناختی به تحلیل متن ادبی می‌پردازد و بر مبنای شکل کاربردش، زمینه‌های متنوعی چون «نقد کهن‌الگویی» و «نقد یونگی» را نیز دربرمی‌گیرد. در این روش، منتقد می‌کوشد با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و روشی استقرایی، تمام عناصر فرهنگی را که در سیر تمدن بشر وجود داشته و به طور ناخودآگاه در آفرینش اثر ادبی مؤثر بوده‌اند مورد بررسی قرار دهد. همچنین اثر ادبی-یا برخی بن‌مایه‌های موجود در متن-را به پیش‌نمونه یا همان ژرف‌ساخت کهن‌الگویی آن تأویل کند.

در این رویکرد، از سویی مطالعات تاریخ تمدن، ادیان و مردم‌شناسی و از سوی دیگر مبانی روان‌شناسی-به‌ویژه روان‌شناسی جمعی-در خدمت تحلیل آثار ادبی قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت کاربرد این روش در شناخت ارزش‌های ناخودآگاهانه متن و تحلیل سطوح نمادین آن، متونی که حاوی ارزش‌های اساطیری یا نمادگرایانه هستند، برای تحلیل با این شیوه قابلیت بیشتری دارند. در این جستار، ضمن بررسی پیشینه و مبانی نظری این روش، به اهمیت، شکل و شیوه کاربرد آن در خوانش متون ادبی پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: نقد اسطوره‌ای، انسان‌شناسی، کهن‌الگو، ناخودآگاه جمعی، یونگ، اسطوره.

* نویسنده مسئول: farzadghaemi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۲۵

درآمد

رویکرد «نقد اسطوره‌ای»^۱ بستری انسان‌شناختی دارد و اثر ادبی را بر مبنای ارزش‌های فرهنگی آن، در ارتباط با کیفیت‌های اساطیری تفسیر و تأویل می‌کند. این روش پیشینه‌ای بیش از یک قرن دارد و زمینه‌های متنوعی از نقد و خوانش متون ادبی را از دیدگاه‌های متفاوت دربرمی‌گیرد. در این میان، بیش از همه، نظریات یونگ در تکوین این رویکرد مؤثر بوده است. از این رو، در این جستار ابتدا کلیدی‌ترین مبانی نظریه یونگ در پیوند با مطالعات انسان‌شناختی و سپس پیشینه کلی این رویکرد بررسی شده است. در پایان، به زمینه و شیوه کاربرد عملی نقد اسطوره‌ای در تحلیل متن ادبی و نیز به حوزه‌های مناسب برای استفاده از آن در نقد و بررسی آثار ادب پارسی اشاره شده است.

۱. روش نقد اسطوره‌ای و مبانی نظری یونگ

کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱م) روان‌شناس سوئیسی، در ابتدا از شاگردان مکتب روان‌کاوی زیگموند فروید، روان‌پزشک اتریشی بود که بعدها به نقد آرای فروید و تکامل نظریه‌های او پرداخت. او پس از سال‌ها مطالعه و تحقیق، مجموعه عقایدی را عرضه کرد که از آن با عنوان «روان‌شناسی تحلیلی»^۲ یاد می‌کنند. یونگ برخلاف فروید که تحقیقات خود را بیشتر بر رفتارشناسی و هنجارهای بیمارگونه روان انسان و غرایز او متمرکز کرده بود، به مطالعه فرهنگ‌ها و اساطیر و تمدن بشری پرداخت. او در مقایسه بین عقاید پیش‌تاریخی و بازمانده‌های فرهنگی انسان متمدن به نتایج شگرفی دست یافت.

مهم‌ترین نظریه یونگ، درباره ماهیت ناخودآگاه بشر بود. او ضمیر ناخودآگاه را که اول بار فروید به تبیین آن در بعد فردی پرداخته بود، دربردارنده دو بخش دانست. بخش نخست را «ناخودآگاه فردی»^۳ نامید که در دیدگاه او، تقریباً همان خصوصیتی را دارد که ضمیر ناخودآگاه از منظر فروید داشت. به اعتقاد یونگ، این بخش از نیمه تاریک روان انسان حاوی مواد فراموش‌شده و همه کیفیات و خصوصیتی است که زمانی خودآگاه بوده‌اند؛ ولی به دلایلی واپس‌زده شده و یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند.

این کیفیات به سبب ناسازگاری با خودآگاهی سرکوب می‌شوند؛ ولی در روان ناخودآگاه فرد نمود بیرونی می‌یابند (Jung, 2001: 79 & 1984: 80). او بخش دوم ضمیر ناخودآگاه را که عمیق‌ترین لایه‌های روانی ذهن انسان را تشکیل می‌دهد، «ناخودآگاه جمعی»^۴ نامید. این بخش کلی، جمعی، غیرشخصی و در همه آدمیان مشترک است و از خلال آگاهی شخصی، پاره‌ای از حالات، رفتارها و تمایلات نمونه‌وار مشابه را در همگان بروز می‌دهد. یونگ این روان جمعی را شامل مجموعه‌ای از تجربه‌های بسیار کهن پیش‌تاریخی می‌داند. اگرچه این تجربه‌های کهن به طور مستقیم قابل تشخیص نیستند، تأثراتی از خود بروز می‌دهند که شناخت آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند و در «کهن‌الگو»^۵ها متبلور می‌شوند (Jung, 1956: 157).

آرکی‌تایپ را در فارسی به کهن‌الگو، کهن‌نمونه، نمونه‌ازلی، صورت مثالی یا ازلی و نسخه باستانی ترجمه کرده‌اند. این کهن‌الگوها، مضامین، تصاویر یا الگوهای اندک که مفاهیم یکسانی را برای سطح وسیعی از بشریت و فرهنگ‌های متفاوت القا می‌کنند. برخی از این کهن‌الگوها مفاهیمی چون آفرینش، وحدت، قدرت، شیطان، عشق، فناپذیری، و رمزها و شخصیت‌های نمادینی مثل آب، دریا، رودخانه، خورشید، نور، رنگ‌ها، اعداد، جانوران، باغ، درخت، پدر-آسمانی، مادر-زمینی، قهرمان، فدایی، ایثارگر، همزاد، سایه، پیر خردمند و... را به الگوهای ثابتی در محتوای فرهنگی جوامع بشری تبدیل کرده‌اند.^۶ اگرچه این نمادها و مفاهیم کهن ذهنی بقایای حافظه شخصی نیست، به طور مشخص از مغز انسان مایه می‌گیرد و خاصیت موروثی دارد. در عین حال، از لحاظ ساختاری، ویژگی «ابداعی»^۷ دارد؛ یعنی انگیزه‌ها، افکار و تمایلات ناشناخته‌ای را در ذهن فردی یا جمعی بیدار می‌کند که به شکل «عشق»، «هنر»، «آرمان» و حتی «جهان‌بینی» و «طرز فکر» جلوه‌گر می‌شود. نمودهای این الگوها گاه فردی است- اگرچه در روان جمعی ریشه دارد- و شخصیت، توانایی و ویژگی‌های فکری و خلاقانه خاصی به فرد می‌بخشد؛ گاهی نیز جمعی است و در شکل‌گیری تمدن‌ها، جهت‌گیری جوامع و حتی تمایلات جمعی و جریان‌های توده‌ای نیز مؤثر است. مهم‌ترین بنیاد نظریه یونگ را همین خاصیت آفرینندگی ناخودآگاه جمعی دانسته‌اند (Sugg, 1992: 65).

یونگ نیز مانند کانت^۹، با نظریهٔ اساسی فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم، جان لاک^۹ مخالف بود. لاک بر این باور بود که بشر با روانی مانند یک «لوح سفید»^{۱۰} متولد می‌شود (Alper, 2008: 83). یونگ معتقد بود انسان دارای نوعی «حافظهٔ نژادی»^{۱۱} است که کهن‌الگوها در آن ذخیره می‌شوند (Jung, 1955: 108)؛ در این حافظهٔ نژادی، تمایلات روانی پیچیده‌ای وجود دارد که طی میلیون‌ها سال تکامل «گونهٔ انسان» تثبیت یافته و نوعی «پیش‌آگاهی» و «هدایت‌گریزی» را به او بخشیده‌اند. بر اساس نظریات یونگ، محتویات ناخودآگاه جمعی در بافت‌های مغز هر انسانی پنهان است و خود را به صورت «رؤیای خلاق» در خواب و بیداری آشکار می‌کند و مقوله‌ای «ماورای ناخودآگاه فردی»^{۱۲} است. این ناخودآگاه جمعی نزد انسان خلاق و مبتکر، اعم از هنرمند، اندیشمند یا عارف، به صورت رؤیا، الهام، وحی و تجربه‌های عارفانه آشکار می‌شود (Jung, 1964: 10) و عطف به ساختار ابداعی خود، می‌تواند از انگیزه‌های مهم گرایش انسان به شعر، هنر، دین، جادو، کیمیا و عرفان باشد. مهم‌ترین عمل ناخودآگاه، مسئولیت آفرینش و ابتکار رمز و نشانه است (Ibid, 19). این همان نظریه‌ای است که ارنست کاسیرر^{۱۳}، در یکی از آثارش با عنوان *فلسفهٔ صورت‌های سمبولیک*^{۱۴} از آن یاد کرده است. کاسیرر سمبول (رمز) را تنها کلید شناخت طبیعت بشر می‌داند. او بر این باور بود که ذهن انسان علاوه بر «سیستم گیرنده»^{۱۵} که تأثیرات خارجی را از محیط می‌گیرد و «سیستم پاسخ‌دهنده»^{۱۶} که در مقابل تأثیرات واکنش نشان می‌دهد و در همهٔ موجودات ارگانیک وجود دارد، دارای سیستم پیچیده و منحصر به فردی است که آن را «سیستم سمبولیک»^{۱۷} می‌نامید؛ سیستمی که صور نمادین حاصل از کنش و واکنش عالم انسانی و جهان خارج را در خزانهٔ ناخودآگاه ذخیره می‌کند. البته نتایج و صور پدیدآمده در این ساختار، مطابق با داده‌های هیچ یک از دو جهان بیرون و درون نیست؛ بلکه از تعامل بین ماده و معنا و طبیعت تجسم می‌یابد و در بوتۀ «خیال آفرینش‌گر»^{۱۸} به تشکیل اسطوره می‌انجامد که مرکز وحدت تجربیات عینی و ذهنی و گرانیگاه هویت روانی آدمی است (Cassirer, 1977: 20-23). به عبارت دیگر، اساطیر ابزاری را به وجود می‌آورند که صورت‌های مثالی را در ضمیر ناخودآگاه متجلی می‌کنند. یونگ در مطالعات خود در مورد خواب‌های بیمارانش نشان داد که صورت‌های مثالی در

رؤیاهای افراد متبلور می‌شوند؛ به طوری که می‌توان رؤیایها را «اسطوره فردی»^{۱۹} دانست (Jung, 1963: 199) و در مقابل، اسطوره‌ها و بن‌مایه‌های اسطوره‌شناختی را «رؤیاهای غیرفردی»^{۲۰} به‌شمار آورد (Jung, 1953: 219).

یونگ رابطه بسیار نزدیکی میان رؤیایها، اساطیر و هنر کشف کرد؛ هر سه آنها ابزاری هستند که به وسیله آنها صور مثالی بیشتر در حیطه ناخودآگاه قرار می‌گیرد (گورین و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۹۳-۱۹۴). انتقال نمادینه این کهن‌نمونه‌ها، از سرچشمه‌های ابتکار و الهام ادبی به‌شمار می‌رود. از همین رو، کاسیرر انسان را «موجودی نمادساز» می‌داند و یونگ از «قدرت تصویرساز روان آدمی» سخن می‌گوید (مورنو، ۱۳۷۶: ۴۷). بر همین اساس، یونگ آفرینش هنری^{۲۱} را دو نوع می‌داند: نوع اول را آفرینش روان‌شناسانه^{۲۲} و نوع دوم را آفرینش الهامی^{۲۳} می‌خواند (Bloom, 1988: 26). آفرینش روان‌شناسانه در مسیر خلق هنری از چارچوب‌های شناخته‌شده روان آدمی است که آگاهی او را تشکیل می‌دهد و تجربیات واقعی زندگی، ادراک، شعور، عواطف مأنوس و طبیعت عقلانی او را تغذیه می‌کند. اما آفرینش الهامی متفاوت با تجربه معمولی، و برگرفته از ژرفای نامکشوف روان انسانی است که محتویات خود را از اعماق شگفت‌انگیز ناخودآگاه جمعی می‌گیرد^{۲۴} (Jung, 2001: 162). یونگ اصالت را به همین خلاقیت الهامی می‌دهد. او هنرمند بزرگ را کسی می‌داند که «بیش ازلی»^{۲۵} و حساسیتی خاص نسبت به صور مثالی، و استعدادی برای بیان از طریق تصویرهای ازلی داشته باشد تا تجربه‌های «دنیای درون»^{۲۶} را که در ناخودآگاه جمعی او پنهان شده است، با واسطه قالب‌های هنری به دنیای بیرون منتقل کند (Jung Et. al, 2001: 162-167).

یونگ چیزی که بتوان آن را «نقد ادبی» نامید، از خود به جا نگذاشته است؛ اما هر آنچه که نگاشته، بی‌شک بیان‌گر این نکته است که او ادبیات و به طور کلی هنر را برای دو دسته از منتقدان گسترش داد: منتقدانی که از رویکرد نقد اسطوره‌ای سود می‌برده‌اند و برخی منتقدان استفاده‌کننده از نقد روان‌شناختی^{۲۷} که نظریه فروید را بیش از حد محدود می‌انگاشتند (گورین و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۹). گستردگی کاربرد نظریات یونگ در حوزه نقد اسطوره‌ای تا آنجاست که گاهی پژوهشگران آثاری را که با تکیه بر آرای او

نقد کرده‌اند، با عنوان «نقد یونگی»^{۲۸} یا «نقد کهن‌الگویی یونگی»^{۲۹}، از دیگر انواع نقد اسطوره‌ای تفکیک می‌کنند؛ اگرچه گاه این عناوین را معادل هم نیز به‌کار می‌برند (Wamitila, 2001: 74). همچنین کاربرد اصطلاح آرکی‌تایپ (با تعریفی که یونگ از آن ارائه می‌کند) در نقد ادبی، به‌ویژه رویکرد اسطوره‌ای، چنان شایع است که منتقدان از رویکرد نقد اسطوره‌ای با عنوان «نقد کهن‌الگویی»^{۳۰} نیز یاد کرده‌اند (Barnet, 2005: 123)؛ گاهی حتی برای آن هویت مستقل قائل شده و نقد کهن‌الگویی را یکی از انواع نقد اسطوره‌ای شناخته‌اند (Wimssat, 1974: 217).

۲. پیشینه و سرچشمه‌های نقد اسطوره‌ای و آثار برجسته آن

نقد اسطوره‌ای رویکردی تلفیقی و «میان‌رشته‌ای»^{۳۱} است که بر ترکیب رهیافت‌های علمی مانند انسان‌شناسی^{۳۲}، تاریخ ادیان^{۳۳}، دین‌شناسی تطبیقی^{۳۴} و روان‌شناسی^{۳۵} بنیان نهاده شده است (Kennedy Et. al, 2009: 102). این شیوه اگرچه با نظریات روان‌شناسانی چون یونگ دگرگون شد، در اصل تاریخچه آن را باید از مکتب انسان‌شناسی (مردم‌شناسی) انگلیس و پژوهش‌های دانشمندانی آغاز کرد که از اواخر قرن نوزدهم با پدید آوردن مکتب هلنیست‌های^{۳۶} کمبریج، از دیدگاه انسان‌شناسی مدرن به بررسی آثار ادبی و اساطیر و مناسک یونان و روم باستان پرداختند. این آثار بیش از آنکه پژوهش‌های ادبی باشند، مطالعات انسان‌شناسی بودند که از بررسی آثار ادبی در این راه سود می‌بردند. مشهورترین اثری که در پژوهش‌های این جریان منتشر شد و بر تحقیقات پسین تأثیر عمیقی گذاشت، مجموعه سخنرانی‌های همایشی بود که در این باره انجام شده بود. این مجموعه با عنوان *انسان‌شناسی و متون کلاسیک*^{۳۷} در شش فصل در ۱۹۰۸م به‌چاپ رسید^{۳۸}. یکی از نویسندگان برجسته این اثر که تحقیقات قابل توجه دیگری در حوزه نقد اسطوره‌ای، به‌ویژه درباره خاستگاه‌های آیینی تراژدی یونانی انجام داد، گیلبرت موری^{۳۹} بود. او در مشهورترین اثرش: *اورپید و عصر او*^{۴۰} این نظر را طرح کرد که تراژدی یونانی روحی مذهبی دارد که با توسعه آیینی مذاهب باستان، شکل روایی به خود گرفته و جنبه‌های کهن مناسکی که این آثار را روزگاری به‌وجود آورده‌اند، همچنان در تراژدی حفظ شده است (Murray, 1913: 61-68). این

اندیشه در کتاب *تمیس: مطالعه‌ای در ریشه‌های اجتماعی مذهب یونانی*^{۴۱} اثر جین هریسون^{۴۲} و *خاستگاه کم‌دی آتیک*^{۴۳} از کونفورد^{۴۴} دنبال شد. هریسون در تحلیل ساختاری درون‌مایه تراژدی‌های یونانی و تطبیق ویژگی‌ها و رفتارهای شخصیت‌های این آثار با ایزدان مناسک بدوی پیشین، به این نتیجه رسید که این نوع از روایت را باید دارای «ساختاری آیینی - مناسکی»^{۴۵} دانست (9: 1962).

یکی از برجسته‌ترین انسان‌شناسان نظریه‌پرداز در این عصر، ادوارد بارنت تیلور^{۴۶} بود. او در آثاری چون *فرهنگ ابتدایی*^{۴۷} و *خاستگاه‌های فرهنگ*^{۴۸} بازمانده باورهای بدوی و رسوبات عقاید بشر ابتدایی را از طریق تداوم حضور فرهنگی، آیینی و ادبی آن‌ها در فرهنگ‌های اجتماعات پسین جست‌وجو می‌کرد. بارنت با طرح نظریه بقای نمادین الگوهای فرهنگی کهن در ذهن بشر متمدن، در افکار پژوهشگران پس از خود تأثیر بسیاری گذاشت. در این دوره، معروف‌ترین اثری که در حوزه نقد اسطوره‌ای خلق شد، *شاخه زرین: پژوهشی در دین و جادو*^{۴۹} (۱۹۱۵م) از جیمز فریزر^{۵۰} بود. این کتاب در دوازده جلد (و بعد خلاصه آن توسط خود او در یک جلد در ۱۹۲۲م) منتشر شد. فریزر در این اثر، کیفیت ماندگاری اسطوره را در حافظه جمعی بشر توصیف کرد. او نظریاتی را درباره تداوم مفاهیم اساطیری در فضای ذهنی بشر ارائه کرد که پایه نظریه‌های یونگ درباره نقش کهن‌الگوها در ناخودآگاه جمعی انسان است. فریزر در این کتاب، شالوده فرهنگ‌های اساطیری را اغلب با آیین‌های باروری مرتبط می‌دانست و هسته اصلی اغلب اسطوره‌ها را مضمون «مرگ و تولد دوباره» می‌شمرد.

در قرن بیستم، کاربرد این اندیشه‌ها بیشتر جنبه ادبی به خود گرفت. در این سده، مطالعات انسان‌شناسانه‌ای که از اسطوره‌ها و ادبیات سود می‌بردند، جای خود را به خلق آثاری دادند که با استفاده از این الگوهای نظری فقط به تحلیل آثار ادبی و اساطیری می‌پرداختند. یکی از ارزشمندترین آثار در این حوزه از نقد اسطوره‌ای که به تحلیل متون نمایشی کلاسیک با رویکرد انسان‌شناختی می‌پردازد، *ایده یک تئاتر*^{۵۱} از فرانسیس فرگوسن است^{۵۲}. فرگوسن میان کهن‌ترین الگوهای آیینی و مناسکی^{۵۳} و مهم‌ترین تراژدی‌های تاریخ ادبیات کلاسیک جهان انگاره‌های مشترکی می‌جوید و از این هماهنگی به ضربه‌های تراژیک^{۵۴} تعبیر می‌کند. او نشان می‌دهد صحنه‌های

نمایش‌نامه هملت چگونه همان الگوهایی را تکرار می‌کند که در تراژدی‌های یونان (به‌ویژه در *اودیپ*) وجود داشته است. فرگوسن درون‌مایه‌های اصلی تراژدی‌های کلاسیک را الگوهایی می‌داند که به بازآفرینی چند مضمون اصلی اختصاص دارد: «رشد»، «مرگ» و «رستاخیز» که برگرفته از مناسک مهمی است (1953: 31-63). فرگوسن در دیگر آثارش نیز، با همین رویکرد، تکرار الگوهای اساطیری را در نمایش‌نامه‌های شکسپیر بررسی کرده است.^{۵۵} نقد آثار شکسپیر با رویکرد انسان‌شناسی، یکی از مهم‌ترین و پردامنه‌ترین حوزه‌های نقد اسطوره‌ای را تشکیل داده است.^{۵۶}

فراتر از نقد عملی و جست‌وجوی چگونگی تکرار الگوهای کهن در متون ادبی، توصیف و تحلیل نظری و پدیدارشناختی شعر و روایت در گونه‌های مختلف آن (حتی شعر غنایی)، یکی از حوزه‌هایی است که با ورود به مباحث رویکرد اسطوره‌ای، منظر تازه‌ای بر این نقد گشوده است. بی‌تردید، یکی از برجسته‌ترین آثاری که در این حوزه شکل گرفته، *کالبدشناسی نقد ادبی*^{۵۷} از نورترپ فرای است. این کتاب در عین حال، از آثار ممتاز در حوزه «انواع ادبی» به‌شمار می‌آید. فرای کوشید در این اثر چهاربخشی، نظریه‌ای عمومی درباره ادبیات مطرح کند که از لحاظ ماهوی چهار بعد آن به هم نزدیک باشد. اولین مقاله او به سطح‌های گوناگون واقع‌گرایی در ادبیات و دومین مقاله به نظریه نمادها پرداخته است. نظریه نقد کهن‌الگویی، که سومین مقاله فرای در این کتاب است، مؤثرترین بخش اثر را تشکیل داده است. فرای در این بخش، انواع ادبی را با فصول سال تطبیق داده و تفاوت میان متون غنایی، حماسی، نمایشی و... را مشخص کرده است. او معتقد است در بطن آثار ادبی (حتی آثار به‌شدت واقع‌گرا) پیرنگ‌ها و گونه‌های اساطیری موجود است. فرای این نظریه را طرح می‌کند که چهار نوع روایت اصلی وجود دارد که جایگزین چهار الگوی اصلی اساطیری است و با چرخه فصول قابل تجسم است. او اسطوره بهار را با کمدی، تابستان را با رمانس، پاییز را با تراژدی و زمستان را با طنز و کنایه مطابقت می‌دهد. فرای حتی از لحاظ ساختاری، اسطوره را با ادبیات یکسان می‌پندارد و آن را سرچشمه و سازمان‌دهنده قالب‌های ادبی می‌داند. او کهن‌الگو را عنصر اساسی شکل‌دهنده تجربه ادبی معرفی می‌کند (1957: 34-65). فرای نمادپردازی‌های موجود در کتاب مقدس را بر اساس نقد اسطوره‌ای تحلیل کرده که در

دو اثر او با عنوان *رمز کل: ادبیات و کتاب مقدس*^{۵۸} و *اساطیر کلاسیک و کتاب مقدس*^{۵۹} جلوه‌گر شده است.

پس از *کالبدشناسی نقد ادبی* فرای، مهم‌ترین اثری که با رویکرد توصیف انسان‌شناختی از ماهیت ادبیات خلق شده است، *انگاره‌های ازلی در شعر*^{۶۰} از مود بادکین^{۶۱} است. بادکین در این اثر به بررسی تکرارهای ثابت برخی تصاویر و موقعیت‌ها و بن‌مایه‌های تکرارشونده‌ای پرداخته است که به علت تأثیر شگرفی که بر ذهن مخاطب بر جا می‌گذاشته‌اند، ناخودآگاه در شعر تکرار می‌شدند. او با بررسی مایه‌های اساطیری این تصاویر، در اثبات این نکته کوشید که ارتباط آن‌ها با برخی جنبه‌های ابتدایی و اولیه انسان، در این تأثیرگذاری نامرئی دخیل بوده است. به جز فرای و بادکین، فیلیپ ویل‌رایت نیز در *سرچشمه تبلور شعر: مطالعه‌ای در زبان نمادگرایی*^{۶۲} و *زبان شعر*^{۶۳}، بر انطباق الگویی اساطیر با انواع ساختارهای زبانی «نماد» و «روایت» تأکید کرده است. او اسطوره را عاملی پویا و زاینده در ژرف‌ساخت ذهنی شاعر می‌داند که تنگنای عقلانی مکان و زمان را که بر فضای علم غالب است، در دنیای شعر می‌شکند؛ باعث پیوستگی زبان و مفاهیم در شعر می‌شود؛ شعر را از تمامیتی که ویژه زندگی است، برخوردار می‌کند (Wheelwright Et. al, 1960: 11).

در هر حال، بیشترین آثار تحقیقی انجام‌شده در حوزه نقد اسطوره‌ای، آثاری است که به نقد عملی متون ادبی با این رویکرد پرداخته‌اند. در این میان، بسیاری از نقدهای عملی انجام‌شده - به شیوه متقدمان کمبریج - در زمینه آثار ادبی کلاسیک بوده است؛ همچون آثاری که در تحلیل نمایش‌نامه‌های شکسپیر به آن‌ها اشاره شد. اما آثار بسیاری نیز به تحلیل ادبیات معاصر، به‌ویژه رمان پرداخته‌اند؛ مانند تحقیق کالدلی^{۶۴} از آثار نیکوس کازانتزاکیس^{۶۵} نویسنده شهیر معاصر یونانی، *نقد اسطوره‌ای سه رمان مهم ویلیام فاکنر*^{۶۶} از گوتتری^{۶۷} و نقد پروبست^{۶۸} بر رمان معروف جرج الیوت^{۶۹}، *دانیل دروندا*^{۷۰} که با محوریت بررسی کهن‌الگوی تولد دوباره قهرمان زن داستان^{۷۱} انجام شده است. یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها درباره آثار معاصر، اثر بیرد^{۷۲} با عنوان *اسماعیل: پژوهشی در وجه رمزی بدوی‌گرایی*^{۷۳} است. این کتاب به تحلیل رمزوارگی *موبی دیک*^{۷۴} - شاهکار هرمان

ملویل^{۷۵} - می پردازد و بیان می کند این ماهی عظیم و شگفت انگیز، نماد خلقت الهی و حقیقت الوهی زندگی است که در سراسر فرهنگ اساطیری شرق ریشه دوانیده است. پس از یونگ و فرای، بررسی آثار مذهبی و متون مقدس با این شیوه، دغدغه بسیاری از پژوهشگران بوده است؛ از جمله تحلیل لارسن^{۷۶} با عنوان *تفسیر الهیات و ادبیات به وسیله مفاهیم نقد کهن‌الگویی*^{۷۷}، *نقد اسطوره‌ای و استفاده از کهن‌الگوها در انجیل جان*^{۷۸} از کلگرو^{۷۹} و *ارزیابی تحلیل هرمنوتیک ری استدمانس از انجیل سفر لایوان با استفاده از روش نقد کهن‌الگویی*^{۸۰} از فیشر. همچنین می توان از آثاری یاد کرد که با این شیوه به بررسی ادبیات فولکلور (عامیانه) و شفاهی پرداخته‌اند؛ از جمله تحلیل فرانز با عنوان *الگوهای ازلی در قصه‌های پریان*^{۸۱} که نقش کهن‌الگوها را در شکل‌گیری این نوع از روایات کاویده است. علاوه بر متون ادبی و دینی، انواع دیگر آثار خلاقه و ذهنی مانند هنرهای تجسمی، موسیقی و سینما و تلویزیون نیز با این شیوه مورد تحلیل قرار گرفته است؛ از آن جمله می توان به این آثار اشاره کرد: *رویکرد کهن‌الگویی: منظری به سوی هنرهای بصری*^{۸۲} اثر جیمز، *بازتاب‌های یونگی بر سینما: یک تحلیل روان‌شناختی بر کهن‌الگوهای خیالی و افسانه‌های علمی-تخیلی*^{۸۳} اثر یاسینو، *فریم‌هایی از ذهن: یک منظر پسا-یونگی به فیلم، تلویزیون و فناوری*^{۸۴} اثر هاگلی، *روان و هنر: رویکرد یونگی به موسیقی، معماری، ادبیات، فیلم و نقاشی*^{۸۵} اثر رولند، و اثر ناپ با عنوان *موسیقی، کهن‌الگو و نویسنده: یک دیدگاه یونگی*^{۸۶}.

تأکید بر نظریات یونگ درباره ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها و استفاده از دیدگاه‌های او به عنوان چارچوبی صرف برای نقد آثار ادبی - فارغ از رویکردهای انسان‌شناختی و مردم‌شناختی و دیگر نظریات روان‌شناختی، یعنی آنچه از آن با عنوان نقد یونگی یاد می‌شود - یکی دیگر از حوزه‌های مطالعات نقد اسطوره‌ای است. از پژوهش‌های نظری اصلی در این زمینه باید به اثر ساگ با عنوان *نقد ادبی یونگی*^{۸۷} و اثر ناپ با عنوان *یک رویکرد یونگی نسبت به ادبیات*^{۸۸} اشاره کرد. ساگ و ناپ کوشیده‌اند معیارهای اصلی این رویکرد خاص را از دیگر انواع عمومی تر تحلیل‌های کهن‌الگویی تفکیک کنند. دیگر آثار ناپ با عنوان *نقد یونگی در ادبیات فرانسوی*^{۸۹} و *قصه‌های فرانسوی پریان: یک رویکرد یونگی*^{۹۰} را که پیشینه کاربردی روش نقد یونگی را در

ادبیات فرانسوی مورد کاوش قرار داده‌اند و نیز پژوهش میورز و کید^{۹۱} با عنوان *نقد ادبی یونگی از ۱۹۲۰-۱۸۰: تفسیر و تاریخچه انتقادی آثار در انگلیس*^{۹۲} را نیز باید به این مجموعه افزود^{۹۳}. همچنین باید از اثر دیگری با عنوان *نقد پسا-یونگی: در نظر و عمل*^{۹۴} از جیمز اس. باوملین^{۹۵} و تیتا فرنچ باوملین^{۹۶} یاد کرد. این کتاب مجموعه پژوهش‌هایی در حوزه نقد یونگی پست‌مدرن است. پسا-یونگی‌ها تحت‌تأثیر آرای ژاک لاکان و ژولیا کریستوا، ضمن بازخوانی نوشته‌های خود یونگ و تلاش برای اکتشاف و توسعه آن‌ها از دیدگاه‌های متعدد، کوشیده‌اند بقایای برخی تمایلات نژادگرایانه، ضد فمینیستی، ضد سامی و همچنین برخی محافظه‌کاری‌های سیاسی را که در پس‌زمینه تحلیل‌های حاکم بر تفکر برخی اندیشمندان قرن بیستم موجود است، از ماهیت این نقد بزایند. آنان با رویکردی پسا-ساختارگرایانه و با تمرکز بر نفی اقتدار و قطعیت در افکار، در مسیر نیل به یک تفسیر فلسفی ابهام‌آمیز، چندلایه و متکثر فقط به بازتفسیر آرای یونگ پرداخته‌اند؛ بلکه مهم‌تر از آن، به بازسازی و نوزایی اندیشه او دست زده و در نهایت، نتیجه عملی این برخورد انتقادی را در نقد متون ادبی بازتاب داده‌اند. اثر نیکولز با عنوان *نقد ادبی یونگی و نقد ادبی پسا-یونگی در ۱۹۸۰-۲۰۰۰*^{۹۷} نیز به تفاوت‌های رویکردی در این دو دیدگاه پرداخته است. از آثار عملی در حوزه نقد پسا-یونگی می‌توان به تحلیل ویتلارک^{۹۸} از آثار کافکا با عنوان *در پس دیوار بزرگ: یک رویکرد پسا-یونگی به ادبیات کافکایی*^{۹۹} اشاره کرد.

حوزه دیگری از نقد اسطوره‌ای که در دهه‌های پایانی قرن بیستم به اوج شکوفایی رسید، رویکرد انسان‌شناختی جدید بود. این رویکرد با بررسی تطبیقی متون ادبی و نسخ مقدس دینی، در کنار مطالعه آیین‌ها و شعائر مذهبی، نظرگاه‌های مستقلی را درباره الگوهای تکرارشونده اساطیری در پدیدارهای ذهنی و جمعی بشر گشود. از میان معروف‌ترین کسانی که این پژوهش‌های اساسی را در حوزه نقد اسطوره‌ای انجام دادند، باید به دو اسطوره‌شناس نامی معاصر، میرچا الیاده و جوزف کمپبل اشاره کرد. الیاده بیشتر از دیدگاه پدیدارگرایانه و با رویکرد تطبیقی، با تأکید بر متون اساطیری و به‌ویژه ادیان و اعتقادات بدوی، کوشیده است الگوهای ثابت و جهانی را در فرهنگ‌های متکثر انسانی جست‌وجو کند. هسته تحقیقات الیاده بر مطالعه ادیان استوار

است. الیاده همچون یونگ، البته با تفسیری متفاوت، به الگوپذیری ادیان و اساطیر از صورت‌های نخستین ذهن و فرهنگ بشری معتقد است. او این اشتراک در بن‌مایه‌ها و الگوهای ذهنی اساطیری را در دو اثرش: *الگوها در ادیان تطبیقی*^{۱۰۰} و *اساطیر، رویاها و رازها*^{۱۰۱} بررسی کرده است. کهن‌الگوی مرگ و ولادت دوباره، مفهومی است که در خوانش الیاده از هستی‌شناسی اساطیر، در ادامه روند آفرینش، نقشی اساسی دارد^{۱۰۲}.

کمپبل از نام‌آورترین پژوهشگران در حوزه نقد اسطوره‌ای است. او در اثر چهارجلدی خود یعنی *نقاب‌های خدا*^{۱۰۳} (۱۹۶۰-۱۹۶۸م) و *اطلس تاریخی جهان اسطوره*^{۱۰۴}، پیشینه انتقادی اسطوره‌شناسی را از جهان باستان تا دنیای مدرن روایت کرده است. او در مشهورترین آثار خود یعنی *قهرمان هزار چهره*^{۱۰۵} و *سفر قهرمان*^{۱۰۶}، با استقرار در فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های بشری، مسیر تکوین و تکامل کهن‌الگوی قهرمان را تحلیل کرده است. کمپبل با دیدگاهی که با چاشنی غلیظی از تحلیل تصوف همراه است، در پس‌زمینه کهن‌الگوهای اساطیری، رازآیینی عارفانه انسان بدوی را در تقابل با دنیای تاریک و پیچیده پیرامونش جست‌وجو کرده است. کاوش او به معنادار شدن جهان و الوهیت بخشیدن به دنیای مادی احاطه‌کننده او می‌انجامد. اثر مشترک او با الیاده و الکساندر الیوت یعنی *اساطیر جهانی: قهرمانان، خدایان، حیل‌گرها و دیگران*^{۱۰۷} نیز درخور ذکر است. در این کتاب چند کهن‌الگوی اصلی و چگونگی تبلور آن‌ها در مجموعه فرهنگ‌های بشری بررسی شده است. آلن واتز اسطوره‌شناس نامدار دیگری است که برخی تحقیقات او مانند *اسطوره و مناسک در مسیحیت*^{۱۰۸} و *اسطوره و مذهب*^{۱۰۹} را می‌توان در کنار آثار الیاده و کمپبل قرار داد.

تعمیق دیدگاه‌های روان‌شناسانه نیز در تحول تفسیر انسان‌شناختی متن ادبی مؤثر بوده است. یکی از معروف‌ترین پژوهشگران در این حوزه، اتو رانک^{۱۱۰} است. او در اثر معروف خود، *اسطوره تولد قهرمان*^{۱۱۱}، مسیر تکامل کهن‌الگوی قهرمان را در متون ادبی و دینی بررسی کرده است. اتو رانک در کتاب *ترومای تولد*^{۱۱۲} و نیز برخی مقالاتش، معروف‌ترین نظریه‌اش را درباره ارتباط میان آرمان‌های اساطیری انسان و شکل گرفتن ذهنیت ناخودآگاهانه فردی او در دوره جنینی ارائه داده است^{۱۱۳}.

۳. روش‌شناختی نقد اسطوره‌ای و زمینه‌های کاربرد آن در تحلیل متن

در بررسی‌های نقد اسطوره‌ای در زمینه آثار شعری، دو موضوع نمادگرایی^{۱۱۴} - نقش و معنای رمزی و ناخودآگاهانه نمادها در شعر - و نظریه الهامی^{۱۱۵} - جست‌وجوی خاستگاه‌های الهام در شعر - از اهمیت خاصی برخوردار است:

اکثر منتقدان بر آن‌اند که جنبه‌های دو گونه الهام‌بخش و رمزی زبان شعری مربوط است به طرق ابتدایی‌تر معرفت و ابلاغ تا به آنچه با بیان عادی نثری عرضه می‌شود... توجه به این ارتباط، منتقدان جدید را به بررسی ماهیت اسطوره رهنمون شده است. در اینجا نقد ادبی با مردم‌شناسی و نیز با روان‌شناسی تماس پیدا می‌کند؛ اگرچه اسطوره‌ای که مورد نظر منتقد جدید است بیش از آنکه اسطوره‌ای فولکلوری و یا دینی باشد، نوعی موضع رمزی است که با کاربرد صحیح تصویرگری «صورت نوعی» [کهن‌الگو] ایجاد می‌شود... به این ترتیب، جست‌وجوی شیوه‌ای که هنرمند ادبی در کاربرد کلمات دارد و توجه به تشخیص این شیوه از دیگر شیوه‌های عادی ابلاغ معانی در زبان، منتقدان ادبی را به مسیرهای متعددی کشانده و حوزه‌های جدیدی بر عرصه تحقیقات منتقد افزوده است (دیجز، ۱۳۶۶: ۲۵۹-۲۶۰).

در بررسی آثار ادبی، منتقد اسطوره‌ای می‌کوشد در گام اول رمزها و نمادهای آشکار و پنهان موجود در ساختار متن ادبی را کشف کند. او با تحلیل روان‌شناسانه این نمادها (با تأکید بر وجوه جهان‌شمول موجود در آن‌ها و جست‌وجوی نمونه‌های مشابه به یاری بررسی‌های تطبیقی) و پیگیری زمینه‌های تاریخ تمدنی شکل‌گیری این مفاهیم در فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های اقوام مختلف، ارتباط این معانی ضمنی را با الگوهای ازلی موجود در روان جمعی بشر تشریح می‌کند. همچنین عناصر و درون‌مایه‌های نمادینه موجود در روستاخت اثر ادبی را به ژرف‌ساخت کهن‌الگویی آن‌ها تأویل می‌کند. بررسی اطلاعات و رسیدن به تحلیل و تأویل نهایی در نقد کهن‌الگویی، روشی استقرایی^{۱۱۶} است (Makaryk, 1993: 645; Griffith, 2005: 400). به تعبیر فرای، منتقد برای رسیدن به تحلیل خود، حرکتی استقرایی را به سوی کشف و ترسیم کهن‌الگو انجام می‌دهد (Frye & Denham, 2007: 197). مسیری که با تحلیل داده‌ها و

جست‌وجوی مایه‌های اشتراک در آن‌ها، از جزء به کل (از کیفیت‌های اساطیری به الگوهای کهن) ختم می‌شود.

نقد اسطوره‌ای، شیوه‌ای میان‌رشته‌ای است که از سویی بر یافته‌های روان‌شناختی و از سوی دیگر بر مطالعات اسطوره‌شناختی، انسان‌شناختی و تحلیل ادیان و تمدن‌ها استوار است و خاستگاه نظری دوگانه‌ای، شالوده‌تحلیلی این نوع نقد را تشکیل می‌دهد. انسان‌شناسی به بررسی شکل بیرونی ظهور کهن‌الگوها در اقسام پدیده‌های فرهنگی (اعم از ادیان، آیین‌ها و آثار ادبی و هنری) می‌پردازد. روان‌شناسی هم کیفیت محتوایی و روند شکل‌گیری این الگوهای کهن را در روان بشری توصیف می‌کند. اهمیت نظریات یونگ در تکوین این رویکرد از همین جهت است. او در مقام روان‌شناس، در ادامه تحلیل خود از روان جمعی ناخودآگاه بشر، علاوه بر مطالعات بالینی بر روی افراد انسانی، از بررسی در فرهنگ‌های دینی - اساطیری و باورهای بدوی و علوم غریبه چون کیمیاگری و حتی تصوف یاری گرفته بود. برخی روان‌شناسان فرویدی از یونگ انتقاد می‌کنند مبنی بر اینکه چرا او از مطالعات بالینی بر روان فردی بشر دور شده و به تحقیق در حوزه باورهای ماورای طبیعی (متافیزیکی) متمایل شده است؛ در واقع ایراد و انتقاد آن‌ها از یونگ، مؤید همین پیوندی است که او آگاهانه میان این دو حوزه مرتبط با یکدیگر: روان فردی و فرهنگ جمعی قائل شده است تا علت و روند شکل‌گیری باورهای اساطیری را در اعماق ذهن آدمی توصیف کند. نقد اسطوره‌ای نیز دقیقاً همین مسیر را در تأویل متن طی می‌کند تا با رویکرد تحلیلی و تطبیقی خود، وجود این الگوهای مشترک بشری را در لابه‌لای سطور متن و در لایه‌های نهان آن ردیابی کند. رویکرد اساطیری برای رسیدن به این تحلیل، از شیوه‌ای استقرایی یاری می‌جوید تا از اشکال متکثر نمادهای ادبی به الگوهای ثابت نهفته در درون‌مایه این آثار برسد.

نقد اسطوره‌ای با امکانات استثنایی و خارق‌العاده‌ای که در تفسیر و تأویل متن ادبی و شناخت تاریکی‌های دنیای درون آن دارد، در عین حال محدودیت‌هایی نیز در تحلیل ارزش‌های اثر دارد که نباید از آن‌ها غفلت کرد. گورین در تأیید امکانات استثنایی نقد اسطوره‌ای می‌گوید: «هیچ یک از رویکردهای نقدی از چنین عمق و گستردگی

برخوردار نیستند.» (۱۳۷۰: ۲۰۶). این شیوه با تأکیدی که بر نقش تأثیر صور مثالی و مناسک و الگوهای کهن روانی در شکل‌گیری درون‌مایه‌های ادبی دارد، فاقد معیارهای لازم برای بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری متن است. بنابراین، منتقد باید آگاه باشد که همه جنبه‌های حیات ادبی هر اثری را نمی‌توان از این دیدگاه مورد کاوش قرار داد. این شیوه از خوانش پویای متن در مواجهه با هر گونه اثر ادبی کاربرد دارد؛ اما با توجه به محوریت ارزش‌های ناخودآگاه متن در تحلیل‌های کهن‌الگویی، اهمیت کاربرد این روش در رمزگشایی و تحلیل نمادها و تمثیل‌های موجود در آثار و توصیف بن‌مایه‌های اساطیری آنها، همه متون در بوتۀ نقد اسطوره‌ای قابلیت تحلیل یکسانی ندارند. متونی که به جانب الهام، نماد، رؤیا و اسطوره‌گرایی بیشتری دارند، در این رویکرد وجه مؤثرتری از نقد را به خود اختصاص می‌دهند^{۱۱۷} (درباره محدودیت‌های نقد اسطوره‌ای ر. ک. گورین و دیگران، ۱۳۷۰: ۲۰۶-۲۰۷؛ Dixon, 1989: 19-31; Hard, 1969: 69-77).

عطف به این توضیحات، کاربرد این روش در نقد و بررسی آثار کلاسیک ادب پارسی بیشتر در دو زمینه بارز است: ابتدا به علت وجود شالوده‌های عمیق اساطیری در آثار حماسی و پیش‌تاریخی‌بودن خاستگاه اسطوره‌ها، ادبیات حماسی غنی فارسی (با محوریت *شاهنامه* و دیگر متون اساطیری-حماسی پهلوی و فارسی، در تطبیق با همزاد هندی این آثار در متونی چون *ریگ‌ودا* و *اوپانیشاده‌ها* و مقایسه با دیگر نمونه‌های متناظر جهانی) از دیدگاه انسان‌شناختی و با هدف کشف کهن‌الگوهای موجود در ناخودآگاه جمعی متن این آثار، قابل تحلیل و بررسی گسترده است. دوم اینکه به علت غلبۀ نقش ناخودآگاهی و مشرب سکری در خلق آثار صوفیانه و وجود خزانۀ ای سترگ از درون‌مایه‌های تمثیلی و رمزی در این آثار، گسترۀ عظیم ادبیات عرفانی پارسی با این شیوه قابل تحلیل به نظر می‌رسد؛ با این تفاوت که مفاهیم موجود در پس‌زمینۀ رموز عرفانی (مانند وحدت، تشریف، سلوک، محو ارادهٔ مرید در مراد، مقامات، شطحیات، رؤیت، کرامات و...) نسبت به بن‌مایه‌هایی که در متون حماسی و اساطیری و افسانه‌های متعلق به فرهنگ‌های شفاهی و عامیانه تکرار می‌شوند (چون کهن‌الگوی قهرمان، پیر خردمند، خوان‌ها، آیین‌ها، قربانی، توتم و تابو، تکرار رفتارهای کیهانی، خدایان، پریان و دیوان و عناصر فراطبیعی و...) ابعاد مفهومی درونی‌تری دارند.

اگر در متون حماسی، ارزش‌های فرهنگی قومی و پیش‌تاریخی بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در خوانش متون عرفانی با این روش، کلیدواژه‌های معرفت‌شناختی نوع بشر است که با تفسیری انسان‌گرایانه از غبار رمزها، استعارات و بیان مجازی بیرون می‌آیند و در لباس تأویلی روشمندی، حقیقت وجودی تازه‌ای به خود می‌گیرند. دیگر حوزه‌های ادبی، از جمله ادبیات معاصر نیز با این رویکرد تأویل‌پذیر است.

متأسفانه جدا از برخی کارهای غیرتخصصی که فاقد چارچوب‌های نظری است و در نقد عملی نیز از اصول نقد روشمند بهره‌ای ندارد و نیز پاره‌ای اشارات گذرا و شتاب‌زده مترجمان در برخی از کتب و مقالات، کمتر اثر مستقل و ارزشمندی در این حوزه نگاشته شده است؛ اثری که گذشته از ترجمه مبانی نظری این نظریه، وارد حوزه خطیر عملی کاربرد این رویکرد در تحلیل متون ادب فارسی شده باشد. بسیاری از آثار که با عنوان نقد اسطوره‌ای به چاپ رسیده‌اند، تحلیل‌های عادی اسطوره‌شناختی یا ادبی‌ای هستند که با ملغمه‌ای از ترجمه گاه دست‌چندم برخی آثار نظری همراه شده است. در آثاری از این دست، برخورد روشمند و معنادار با متن، که شالوده اصلی هر تحلیل نقدی است، هیچ‌جایی پیدا نکرده است. نبود مقالات انتقادی در مورد بررسی‌های منتشرشده، آسیب دیگری است که به امتداد این روند خطا در بستر تحقیقات دانشگاهی دامن زده است.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به پژوهش‌های مختلف انجام‌شده در حوزه نقد اسطوره‌ای، می‌توان گفت در آثار منتقدان نامی این رویکرد، شیوه ثابتی در تحلیل یا تأویل یک متن یا موضوع خاص دیده نمی‌شود؛ از جمله در آثار برخی پژوهشگران چون رانک و ناپ رویکرد روان‌شناسانه و در آثار برخی دیگر چون کمبل و الیاده زمینه‌های انسان‌شناختی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در مقابل، شیوه اسطوره‌ای این ظرفیت را دارد که در تعادل استفاده هم‌زمان از این دو خاستگاه، به تحلیل‌های دوسویه و در عین حال کاملی از یک موضوع واحد برسد؛ رویکردی که در آثار کسانی چون بادکین و فرای نمود بارزتری دارد. در هر حال، وجه مشترک همه این تحلیل‌ها بر دو شیوه استوار است: نخست بر شیوه استقرایی و جستار فرامتنی نقد که با تطبیق در نمونه‌های متفاوت و دور از هم، در جست‌وجوی ژرف‌ساخت‌های مشترک اساطیری و نموده‌های جهانی

آن‌هاست؛ دوم اینکه بر روش الگومدارانه پژوهش استوار است که می‌کوشد در تأویل خود الگوهای ثابتی را توصیف کند که تکرارهای متفاوت آن‌ها باعث کثرت و تنوع روایات اساطیری- در عین تشابهشان- شده است.

کاربرد روشمند رویکرد نقد اسطوره‌ای در آثار ادبی، خوانشی از متن را به دنبال دارد که می‌تواند ضمن نمایش مسیری واحد از نتیجه یک بررسی استقرایی، تحلیل به نسبت جامعی از زوایای مختلف رموز اساطیری متن را فراروی مخاطب گذارد؛ تحلیلی که با بنیادهای نظری و تطبیقی متعلق به هر مبحث همراه خواهد بود. این رویکرد، با تمرکز بر کهن‌الگویی خاص یا بررسی شبکه روابط میان کهن‌الگوها و طی روندی استقرایی در راه رسیدن به تصویر نهایی از ماهیت تکرار صورت‌های مثالی در نمادهای ادبی (رسیدن از جزء به کل)، در نهایت می‌تواند تأویلی کلی از ژرف‌ساخت کهن‌الگویی متن ادبی ارائه دهد؛ تأویلی که به خلق خوانشی یک‌پارچه، خلاقانه و انتقادی از محتوای فرهنگی اثر منجر شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Mythological Criticism or Mythological Approach

۲. Analytic Psychology این اصطلاح برای تمایز نظریات یونگ از روان‌کاوی فروید و روان‌شناسی فردی آدلر به کار می‌رود.

3. Personal Unconscious

4. The Collective Unconscious

5. Archetypes

۶. درباره انواع این کهن‌الگوها، بهترین اثر یونگ: *کهن‌الگوها و ناخودآگاه جمعی* [*The Archetypes and the Collective Unconscious*] (۱۹۵۹م) است.

7. Creative

8. Kant

9. J. Lock

10. Tabula Rasa

11. Racial Memory

12. Supra-Personal Unconscious

13. Ernst Cassirer

14. *The Philosophy of Symbolic Forms*

15. Receptor System

16. System Effector

17. Symbolic System

18. Creative Fantasy

19. Personal Myth

20. Non-Personal Dreams

21. Artistic Creation

22. Creation Psychological

23. Creation Visionary

۲۴. آفرینش روان‌شناختی را در تمثیل‌های تعلیمی که آگاهانه پرداخت شده‌اند و آثار واقع‌گرا چون رمان‌های رئالیستی می‌توان دید. یونگ برای آفرینش الهامی نیز از نمونه‌هایی چون *چوپان هرمس* دانته، بخش دوم *فاوست* گوته، *فیضان دیونیزی* نیچه، *انگشتی نیلونگن* واگنر، *بهار اولمپ* شیلر، شعر ویلیام بلیک و شطحیات شعری ژاکوب بوهم یاد می‌کند (احمد، ۱۳۷۸: ۱۶). نمونه‌هایی از آن را در ادبیات فارسی در غزلیات سکری شاعرانی چون عطار، مولانا و حافظ و شطحیات عارفانی چون بایزید بسطامی و روزبهان بقلی شیرازی می‌توان دید.

25. Primordial Vision

26. Inner World

۲۷. روشی را که در نقد ادبی مبتنی بر نظریات فروید است، نقد روان‌شناختی [Psychologicalcriticism] می‌گویند. در این روش، تأثیر فعالیت ضمیر ناخودآگاه در آفرینش اثر ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. منتقد هم مانند روان‌کاو در ورای اثر هنری، امیال سرکوب‌شده ناخودآگاه و انگیزه‌های روانی هنرمند را جست‌وجو می‌کند (ر.ک گورین و دیگران، ۱۳۷۰: ۶۸-۱۳۷).

28. Jungian Criticism

29. Jungian Archetypal Criticism

30. Jungian Archetypal Criticism

31. Interdisciplinary Approach

32. Anthropology

33. History of Religion

34. Comparative Religion

35. Psychology

36. Hellenists

37. Anthropology and the Classics

۳۸. درباره نقش این اثر در شکل‌گیری رویکرد اسطوره‌ای، اثر اکرم با عنوان *گروه کمبریج و نقد اسطوره‌ای* [The Cambridge group and the origins of myth criticism] را می‌توان ذکر کرد. برای آگاهی از اسامی نویسندگان این اثر و در مورد شناسنامه دیگر آثاری که در این بخش معرفی شده‌اند به فهرست منابع مراجعه کنید.

39. Murray

40. Euripides and His Age

41. Jane Harrison

42. Themis: a Study of the Social Origins of Greek Religion

43. The Origin of Attic Comedy

44. Cornford

45. Structure Ritual

46. Edward Burnett Taylor

47. The Primitive Culture

48. The Origins of Culture

49. The Golden Bough: a Study in Magic and Religion

50. George James Frazer

51. The Idea of Theater

52. Francis Fergusson
53. Ritualistic Patterns
54. Tragic Rhythm
55. یکی از مهم‌ترین آثار وی با این رویکرد شکسپیر: *فرشی از الگوها* [Shakespeare: *the Pattern in his Carpet*] است.
56. از مشهورترین این آثار می‌توان به *بن‌مایه‌های عمده در تصویرپردازی تراژدی‌های شکسپیر* [Leading Motives in the Imagery of Shakespear's Tragedies] از اسپورجن، واقع‌گرایی روان‌شناختی و کهن‌الگوها: *کهن‌الگوی حیل‌گر در آثار شکسپیر* [Psychological Realism and Archetypes: the Trickster in Shakespeare] از مویترا و اسطوره، مذهب و شکسپیر: *تحقیقی در حوزه نقد نظری و عملی* [Myth, Ritual, and Shakespeare: a Study of Critical Theory and Practice] از ورما اشاره کرد.
57. Anatomy of Criticism
58. The Great Code: the Bible and Literature
59. Biblical and Classical Myths
60. Archetypal Patterns in Poetry
61. Maud Bodkin
62. The Burning Fountain: a Study in the Language of Symbolism
63. Poetry Language
64. Kaldelli
65. Kazantzakis Nikos
66. Myth Criticism of William Faulkner's Three Major Novels
67. Guthrie
68. Probst
69. George Eliot
70. Daniel Deronda
71. عنوان تحقیق کالدلی، *نقد کهن‌الگویی داستان‌های نیکوس کازانتزاکیس* [Archetypal Criticism of Nikos Kazantzakis' Fiction] و عنوان تحلیل پروبست، *تأدیبی برای یک سرکش: نقدی اسطوره‌ای از تولد دوباره گوندولن هارلتز در دانیل دروندا* [A "Discipline for the Refractory": a Myth Criticism of Gwendolen Harleth's Rebirth in Daniel Deronda] است.
72. Baird
73. Ishmael: A Study of the Symbolic Mode in Primitivism
74. Moby Dick
75. Herman Melville
76. Larsen
77. An Interaction of Theology and Literature by Means of Archetypal Criticism
78. Myth Criticism and the Use of Archetypes in the Gospel of John
79. Kellegrew
80. An Evaluation of Ray C. Stedman's Hermeneutical Treatment of Leviticus Using Archetypal Criticism
81. Archetypal Patterns in Fairy Tales
82. Archetypal Criticism: an Approach to the Visual Arts

83. *Jungian Reflections within the Cinema: a Psychological Analysis of Sci-fi and Fantasy Archetypes*
84. *Frames of Mind: a Post-Jungian Look at Film, Television and Technology*
85. *Psyche and the Arts: Jungian Approaches to Music, Architecture, Literature, Film and Painting*
86. *Music, Archetype, and the Writer: a Jungian View*
87. *Jungian Literary Criticism*
88. *A Jungian Approach to Literature*
89. *Jungian Criticism and French Literature*
90. *French Fairy Tales: A Jungian Approach*
91. Meurs & Kidd
92. *Jungian Literary Criticism, 1920-1980: an Annotated, Critical Bibliography of Works in English*
۹۳. این اثر علاوه بر توصیف آثار ۱۹۲۰-۱۹۸۰م، منتخب عناوین تحقیقات سال‌های پس از ۱۹۸۰ را نیز دربردارد.
94. *Post-Jungian Criticism: Theory and Practice*
95. James S. Baumlin
96. Tita French B.
97. *Jungian and Post-Jungian Literary Criticism, 1980-2000*
98. Whitlark
99. *Behind the Great Wall: a Post-Jungian Approach to Kafkaesque Literature*
100. *Patterns in Comparative Religion*
101. *Myths, Dreams and Mysteries*
۱۰۲. این بن‌مایه در دو اثر معروف او تولد و تولد دوباره: معنای مذهبی تشریف در فرهنگ بشری [Birth and Rebirth: the Religious Meanings of Initiation in Human Birth] و بازگشت جاودانه [The Myth of the Eternal Return] متجلی شده است.
۱۰۳. The Masks of God جلد اول این مجموعه، اسطوره‌شناسی ابتدایی [Primitive Mythology]، جلد دوم اسطوره‌شناسی شرقی [Oriental Mythology]، جلد سوم اسطوره‌شناسی غربی [Occidental Mythology] و جلد چهارم اسطوره‌شناسی خلاق [Creative Mythology] نام گرفته است.
104. *Historical Atlas of World Mythology*
105. *The Hero with a Thousand Faces*
106. *Hero's Journey*
107. *The Universal Myths: Heroes, Gods, Tricksters, and Others*
108. *Myth and Ritual in Christianity*
109. *Myth and Religion*
110. Otto Rank
111. *The Myth of the Birth of the Hero*
112. *The Trauma of Birth*
۱۱۳. رانک در نظریه ترومای تولد، این نظر را طرح می‌کند که آدمی پس از جدایی از زهدان مادر هرگز نمی‌تواند تأثیرات مخرب [Traumatic] این رویداد را از ناخودآگاه فردی‌اش پاک کند و

ناخودآگاهانه برای بازگشت به این بهشت ایده‌آل و گرم و تاریک که هیچ خاطره‌ای از آن در خودآگاهش ندارد، بی‌تابی می‌کند. همین آرزوی فروخورده و سرکوفته، در ذهنیات و خواسته‌های او از جهان پیرامونش فرافکنی می‌شود و در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن او، در قالب آرزوی بنیاد بهشتی ایده‌آل بر روی زمین یا تجسم آن در فراسوی مرزهای ماورای طبیعی متبلور می‌شود.

114. Symbolism

115. The Theory of Inspiration

116. Inductive Approach

۱۱۷. بخش عمده‌ای از مقاله هرد با عنوان «نقد اسطوره‌ای: محدودیت‌ها و امکانات» [Myth]

"[Criticism: Limitations and Possibilities]" در شماره دوم مجله *موزائیک* [Mosaic]

منتشر شده و فصلی از کتاب دیکسون با عنوان کاربرد و محدودیت‌های نقد اسطوره‌ای، به بررسی

محدودیت‌های روش نقد اسطوره‌ای [The Applicability and Limitations of Myth]

[Criticism] اختصاص یافته است (ر.ک منابع).

منابع

- احمد، عبدالفتاح محمد. (۱۳۷۸). *شیوه اسطوره‌ای در تفسیر شعر جاهلی*. ترجمه نجمه رجایی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- دیچز، دیوید. (۱۳۶۶). *شیوه‌های نقد ادبی*. ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی. تهران: علمی.
- گورین، ویلفرد، ال. جان. ار. ویلینگهام، ارل. جی. لیبر و لی مورگان. (۱۳۷۰). *راهنمای رویکردهای نقد ادبی*. ترجمه زهرا میهن‌خواه. چ ۴. تهران: اطلاعات.
- مورنو، آنتونیو. (۱۳۷۶). *خدایان و انسان مدرن*. ترجمه داریوش مهرجویی. تهران: نشر مرکز.
- Ackerman, Robert Allen. (1969). *The Cambridge Group and the Origins of Myth Criticism*. University Microfilms.
- Alper, Matthew. (2008). *The "God" Part of the Brain: A Scientific Interpretation of Human Spirituality and God*. Sourcebooks, Inc.
- Baird, James. (1956). *Ishmael: A Study of the Symbolic Mode in Primitivism*. Baltimore: the Johns Hopkins University Press.
- Barnet, Sylvan & William E. Cain. (2005). *A short guide to writing about literature*. Edition 10. Pearson/ Longman.
- Baumlin, James S, Tita French Baumlin & George H. Jensen. (2004). *Post-Jungian Criticism: Theory and Practice*. SUNY Press.
- Bloom, Harold. (1988). *Twentieth-century American Literature*. Vol. 6. Chelsea House Publishers.
- Bodkin, Maud. (1958). *Archetypal Patterns in Poetry*. New York: Random House.
- Campbell, Joseph. (1994). *Hero's Journey*. Random House Value Publishing.

- _____ (1988). *Historical Atlas of World Mythology*. Vol. 1. Times Books.
- _____ (1949). *The Hero with a Thousand Faces*. Pantheon Books.
- _____ *The Masks of God*. Vol. 1: (1960). *Primitive Mythology*. Secker & Warburg. Vol. 2: (1968). *Oriental Mythology*. Viking Press. Vol. 3: (1965). *Occidental Mythology*. Secker. Vol. 4: (1968). *Creative Mythology*. Viking Press.
- Cassirer, Ernest. (1977). *The Philosophy of Symbolic Forms*. Edition 2. Yale University Press.
- Cornford, Francis Macdonald. (1914). *The Origin of Attic Comedy*. E. Arnold.
- Dixon, Paul B. (1989). *Retired Dreams: Dom Casmurro, Myth and Modernity*. Purdue University Press.
- Eliade, Mircea. (1965). *Birth and Rebirth: the Religious Meanings of Initiation in Human Culture*. Harper.
- _____ (1992). *Myths, Dreams and Mysteries*. Peter Smith Pub.
- _____ (1996). *Patterns in Comparative Religion*. Translated by Rosemary Sheed. Reprint, U of Nebraska Press.
- _____ (1955). *The Myth of the Eternal Return*. Pantheon Books.
- Eliot, Alexander, Joseph Campbell & Mircea Eliade. (1990). *The Universal Myths: Heroes, Gods, Tricksters, and Others*. Reprint, Meridian.
- Fergusson, Francis. (1970). *Shakespeare: the Pattern in his Carpet*. Delacorte Press.
- _____ (1953). *The Idea of a Theater: a Study of Ten Plays: the Art of Drama in Changing Perspective*. Reprint, Doubleday.
- Fischer, Bryan J. (1980). *An Evaluation of Ray C. Stedman's Hermeneutical Treatment of Leviticus Using Archetypal Criticism*. Dallas Theological Seminary.
- Franz, Marie-Louise von. (1997). *Archetypal Patterns in Fairy Tales*. Inner City Books.
- Frazer, James George. (1958). *The Golden Bough: a Study in Magic and Religion*. One Vol. New York: abridged ed. Macmillan.
- Frye, Northrope. *Anatomy of Criticism*. (1957). *Four Essays*. N. J.: Princeton University Press.
- Frye, Northrope and Jay Macpherson. (2004). *Biblical and Classical Myths: the Mythological Framework of Western Culture Frye Studies*. University of Toronto Press.
- Frye, Northrope & Robert D. Denham. (2007). *Northrop Frye's Notebooks for Anatomy of Criticism*. University of Toronto Press.
- _____ (1983). *The Great Code: the Bible and Literature*. Edition 2. Taylor & Francis.
- Griffith, Kelley. (2005). *Writing Essays about Literature: a Guide and Style Sheet*. Edition 7. Cengage Learning.
- Guthrie, Martha Alice. (1975). *Myth Criticism of William Faulkner's Three Major Novels*. University of Maryland.
- Harrison, Jane Ellen. (1962). *Themis: a Study of the Social Origins of Greek Religion*. World Pub. Co.

- Herd, Eric W. (1969). "Myth Criticism: Limitations and Possibilities". *Mosaic* 2. PP. 69-77.
- Hockley, Luke. (2008). *Frames of Mind: a Post-Jungian Look at Film, Television and Technology*. Intellect Books.
- Iaccino, James F. (1998). *Jungian Reflections within the Cinema: a Psychological Analysis of Sci-fi and Fantasy Archetypes*. Greenwood Publishing Group.
- James, Richard Timothy. (1986). *Archetypal Criticism: an Approach to the Visual Arts*. Sacramento: California State University.
- Jung, Carl Gustav. (2001). *Dreams*. Edition 2. Routledge.
- _____ (1984): *The Spirit of Man in Art and Literature*, Routledge.
- Jung, Carl Gustav & Marie-Luise von Franz. (1964). *Man and his Symbols*. Reprint, Doubleday.
- Jung, Carl Gustav & Aniela Jaffé. (1963). *Memories, Dreams, Reflections*. Collins.
- Jung, Carl Gustav, William Stanley Dell & Cary F. Baynes. (2001). *Modern Man in Search of a soul*. Routledge.
- Jung, Carl Gustav & Violet S. De Laszlo. (1958). *Psychle and Symbol: A Selection from the Writings of C. G. Jung*. Doubleday.
- Jung, Carl Gustav, Herbert Edward Read, Michael Fordham & Gerhard Adler. (1953). *The Collected Works of C.G. Jung*. Pantheon Books.
- Jung, Carl Gustav & Wolfgang Pauli. (1955). *The Interpretation of Nature and the Psyche: Synchronicity: an Acausal Connecting Principle*. Pantheon Books.
- Kaldelli, Pauline Furniss. (1996). *Archetypal Criticism of Nikos Kazantzakis' Fiction*. Dominguez Hills.
- Kellegrew, F. Marsh. (1994). *Myth Criticism and the Use of Archetypes in the Gospel of John*. Western Theological Seminary.
- Kennedy, X. J, Dana Gioia, and Mark Bauerlein (2009). *Handbook of Literary Terms: Literature, Language, Theory*. Edition 2. Pearson/ Longman.
- Knapp, Bettina Liebowitz. (1984). *A Jungian Approach to Literature*. Southern Illinois University Press.
- _____ (2003). *French Fairy Tales: A Jungian Approach*. SUNY Press.
- _____ (1982). *Jungian Criticism and French Literature*. Dept. of French & Italian, Louisiana State University.
- _____ (1988). *Music, Archetype, and the Writer: a Jungian View*. Pennsylvania State University Press.
- Larsen, Brian. (2001). *An Interaction of Theology and Literature by Means of Archetypal Criticism, with Reference to the Characters Jesus, Pilate, Thomas, the Jews, and Peter in the Gospel of John*. University of St Andrews.
- Makaryk, Irene Rima. (1993). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory: Approaches, Scholars, Terms*. reprint, University of Toronto Press.
- Maret, Robert Ranulph, Arthur Evans, Andrew Lang, Gilbert Murray, Frank Byron Jevons, John Linton Myres, William Warde Fowler,

- Anthropology and the Classics* (1908). *Six Lectures Delivered Before the University of Oxford*. The Clarendon Press.
- Murray, Gilbert. (1913). *Euripides and his Age*. H. Holt.
 - Meurs, Jos van & John Edward Kidd. (1988). *Jungian Literary Criticism, 1920-1980: an Annotated, Critical Bibliography of Works in English; With a Selection of Titles after 1980*. Scarecrow Press.
 - Moitra, Sitansu: *Psychological Realism and Archetypes* (1967). *the Trickster in Shakespeare*. Bookland Private.
 - Nichols, Marcia D. (2002). *Jungian and Post-Jungian Literary Criticism, 1980-2000*. Southwest Missouri State University.
 - Probst, Jan Ellyn. (1987). *A "Discipline for the Refractory": a Myth Criticism of Gwendolen Harleth's Rebirth in Daniel Deronda*. Sacramento, California State University.
 - Rank, Otto. (1914). *The Myth of the Birth of the Hero*. Johnson Reprint Corporation.
 - _____ (1994). *The Trauma of Birth*. Edition 2. Courier Dover Publications.
 - Rowland, Robert C. (1990). *On Mythic Criticism: the Conversation Continues*. Central State Communication Association.
 - Spurgeon, Caroline Frances Eleanor. (1930). *Leading Motives in the Imagery of Shakespeare's Tragedies*. Pub., for the Shakespeare Association by H. Milford, Oxford University Press.
 - Stookey, Lorena Laura. (1996). *Robin Cook: a Critical Companion; Critical Companions to Popular Contemporary Writers*. Greenwood Publishing Group.
 - Sugg, Richard P. (1992). *Jungian Literary Criticism*. Northwestern University Press.
 - Tylor, Edward Burnett. (1924). *Primitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art, and Custom*. Vol. s 1-2. Edition 7. Brentano's.
 - _____ (1986). *The Origins of Culture*. Peter Smith Pub.
 - Verma, Rajiva. (1990). *Myth, Ritual, and Shakespeare: a Study of Critical Theory and Practice*. Publishers.
 - Wamitila, K. W. (2001). *Archetypal criticism of Kiswahili poetry: with special reference to Fumo Liyongo*. Bayreuth University.
 - Watts, Alan. (1954). *Myth and Ritual in Christianity Myth and Man*. Thames and Hudson.
 - Wheelwright, Philip. (1982). *The Burning Fountain: a Study in the Language of Symbolism*. P. Smith.
 - Wheelwright, Philip, Cleanth Brooks, I. A. Richards and Wallace Stevens. (1960). *The Poetry Language*. Rusell & Russel.
 - Whitlark, James. (1991). *Behind the Great Wall: a Post-Jungian Approach to Kafkaesque Literature*. Fairleigh Dickinson Univ Press.
 - Wimsatt, William Kurtz. (1974). *Literary criticism--idea and act: the English Institute, 1939-1972: selected essays*. University of California Press.